



هزار سال وزن در موسیقی ایران



رضا ترشیری
چاپ دوم



هزار سال وزن (ریتم) در موسیقی ایران

تحقیق و تألیف: رضا ترشیزی
طراح جلد: احسان حسینی
چاپ و صحافی: استودیو چاپ دیجیتال اشراقی
چاپ دوم: ۱۴۰۴ • شمارگان: ۳۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳-۵۴۱۰-۲

دورمهر انتشارات تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳، تلفن: ۶۱۹۴۲، دورنگار: ۶۶۴۶۹۹۵۱
دورمهر انقلاب تهران، خیابان انقلاب، میدان انقلاب، جنب سینما بهمن، پلاک ۱۰۲۳، تلفن: ۹-۶۶۴۷۶۵۶۸
دورمهر سمیه تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ، جنب حوزه هنری، پلاک ۲۴۵، تلفن: ۸۸۹۴۹۷۹۱-۲
دورمهر اکین تهران، تقاطع خیابان بهشتی و خالد اسلامبولی (وزرا)، طبقه اول سینما آزادی، تلفن: ۹۱۰۸۸۹۶۰
دورمهر هنر تهران، خیابان آزادی، بین خیابان خوش و خیابان آذربایجان، جنب دانشگاه سوره
دورمهر کوهسنگ مشهد، خیابان کوهسنگی، کوهسنگی ۲۹، مجتمع مهر کوهسنگی، طبقه ۶، تلفن: ۵۱-۳۸۴۹۹۱۵۶
دورمهر سینا همدان، آرامگاه بوعلی سینا، جنب پردیس سینمایی مهر قدس، تلفن: ۸۱-۳۲۵۲۵۶۱۳
دورمهر ساحل اصفهان، میدان انقلاب، سینما ساحل، کدپستی: ۸۱۳۳۶۱۴۵۱۱، تلفن: ۶-۳۲۲۴۷۷۳۵-۳۱

 Sooremehr.ir

 Mehrak.ir

 @sooremehr_pub



 ۶۶۴۶۰۹۹۳ (پنج خط)

 ۳۰۰۵۳۱۹

 ۱۵۹۱۸-۱۷۸۱۱

با ما بخوانید

• نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است •

فهرست

۱۱	فصل ۱ پیشگفتار
۱۹	فصل ۲ چراشش هشتم و دوچهارم؟!؟
۳۳	فصل ۳ وزن شعر پارسی؛ زیربنای وزن در موسیقی سنتی
۳۹	فصل ۴ وزن های موجود در موسیقی سنتی
۴۵	فصل ۵ تُمبک، تمبک نوازان، تمبک نوازی
۶۱	فصل ۶ چگونگی وزن در موسیقی سنتی ایران
۷۹	فصل ۷ ارکان عروضی؛ واحدهای تشکیل دهنده اوزان موسیقی
۸۱	فصل ۸ اوزان متداول شعر پارسی و چگونگی موسیقایی آنها
۹۵	فصل ۹ چند کلمه درباره وزن شعر پارسی
۱۰۷	فصل ۱۰ چگونگی وزن در موسیقی ایران پیش از نفوذ معیارهای موسیقی اروپایی
۱۱۱	فصل ۱۱ دورهای ایقاعی یا جملات موزون در موسیقی
۱۳۵	فصل ۱۲ در خاتمه
۱۵۳	کتاب نامه

بسیار زیبا و گویا وزن های جدید شعر شاعر بزرگ معاصر، خانم سیمین بهبهانی، است:

شلوار تا خورده دارد

مردی که یک پاندارد

در همایشی ادبی در دانشگاه یوسیالای (UCLA) کالیفرنیا از ایشان پرسیدم: «شما چطور شد که یک وزن جدید را در ادبیات موزون ایران خلق کردید؟» ایشان فرمودند: «یک روز، در یکی از پیاده روهای تهران راه می رفتم. ناگهان یکی از افراد سانحه دیده در جنگ را دیدم؛ او یک پایش را از دست داده بود و با چوب دستی حرکت می کرد و پاچه شلوارش را، که پاندا داشت، تا بالا تا زده بود و خود به خود این وزن از ذهن من تراوید.» این نوع نوآوری بر اساس تجربه و آگاهی ژرف این بانوی بزرگوار ادبیات پارسی است. ناگفته نماند خانم سیمین بهبهانی از معدود شاعران تاریخ ادبیات ایران هستند که وزن های جدیدی در ادبیات ما ابداع کرده اند. روانشان شاد!

با نگرشی هرچند جزئی به موسیقی ایرانی و آنچه در کوچه و بازار، سطح عامه و نیز در سطوح بالای جامعه و مدارس علمی موسیقی کشور مشاهده می شود، می توان گفت مردم ما اصولاً موسیقی را با شعر می پذیرند و کمتر موسیقی بی کلام جای خود را در میان مردم باز می کند و کمتر کار بی کلامی مثل نینوای استاد حسین علیزاده جای خود را در دل قشرهای مختلف جامعه باز می کند. از این رو، آگاهی ساختمان شعری و وزن کلام می تواند به تولیدات موسیقی مطلوب و مفهوم بیشتری منجر شود؛ این مسئله نه تنها در مورد موسیقی موزون، بلکه در مورد موسیقی بدون ریتیم، مثل آوازخوانی، هم حاکم است. اگر استاد محمدرضا شجریان یا استاد شهرام ناظری آوازخوانانی می شوند که جایی در قلب و فکر مردم ما دارند، به دلیل درک بسیار عمیق از ادبیات کلاسیک ایران است.

استاد محمد جعفر محبوب می‌گفتند که استاد شجریان یا استاد ناظری هر شعری را که می‌خواهند بخوانند، در صورت امکان، آن را با من مرور می‌کنند؛ حتی گاهی از طریق تلفن. چه انسجام زیبایی!

در سال چهارم دبیرستان، در دبیرستان جلیل نصیرزاده شهر مشهد، به راهنمایی دبیر ادبیات وقتمان، آقای بهزادی اندوه‌جودی، که بعدها به مقام دکترای ادبیات و استادی این رشته در دانشگاه تهران رسیدند، با جزوه کوچکی از دکتر خانلری آشنا شدم که توضیح مختصری درباره اوزان شعر فارسی داشت. این اولین برخورد ناآگاهانه من با یک سری وزن‌های زیبا و غیرمتعارف در مقام مقایسه با موسیقی ایرانی بود. در آن اوقات، سعی داشتم شعرهای کتاب فارسی‌مان را بخوانم و با تمبک بنوازم؛ همان‌جا در مقابل مسئله بزرگی قرار گرفتم و آن عدم درک و توانایی اجرای وزن‌های موجود در برخی اشعار بود. خاطرم است شعری در کتاب فارسی داشتیم با این عنوان:

قصه شنیدم که بوالعلاء به همه عمر

لحم نخورد و ذوات لحم نیاززد

هر چه سعی کردم این شعر را با تمبک بنوازم موفق نشدم! با خود فکر کردم یا شاعر این شعر زیبا ریتم نمی‌دانسته یا اینکه لزومی ندارد اصلاً شعر ریتم داشته باشد و یا اینکه نکاتی در ریتم هست که من هنوز آن‌ها را نمی‌دانم و تمبک‌نوازی ایران با این نوع تفکر ریتمیک بیگانه است! در آن روزگار، با تجربه و دانش من و کسانی که دوروبرم بودند هیچ‌کدام قادر به پاسخ‌گویی به این معما نبودیم.

سال‌ها گذشت تا اینکه برای تحصیلات تخصصی طب به پاریس رفتم. در آنجا افتخار دیدار و آشنایی با دکتر محمد جعفر محبوب، ادیب معاصر، را یافتم. در یک نشست، داستان را با ایشان مطرح کردم. اشارات این مرد بزرگ و آگاه به علم عروض و چگونگی ریتم کلام در کلام موزون پارسی (شعر) گره از کارم گشود. گویی دری را به سوی روشنی برایم باز کرد.

ناگهان خود را در مقابل انبوهی از وزن‌های پیچیده موجود در شعر پارسی دیدم که هیچ‌کدام آن‌ها با قوانین و مقررات موسیقی که در هنرستان ملی موسیقی آموخته بودم منطبق نبودند! ریتم‌هایی نه ساده، نه ترکیبی، و نه لنگ؛ هم ساده، هم ترکیبی، و هم لنگ و بهتر بگویم ترکیبی از تمام این‌ها با آرایشی عجیب و ناآشنا در ذهن ناپخته بنده.

حسن اتفاق، چند سال بعد که در شهر لس‌آنجلس زندگی می‌کردم، مصادف شد با آمدن استاد محمد جعفر محبوب به عنوان استاد مهمان در دانشگاه یوسی‌ال‌ای در کالیفرنیا و من این افتخار را داشتم که هر سه شنبه بعد از ظهر کلاسی چند ساعته در خدمت استاد محبوب درس عروض و قافیه گرفتم. از آن پس، در کم‌درباره ساختمان شعر در ادبیات افزایش یافت که به فهم من در وزن‌های موسیقایی کمک فراوانی کرد و توانستم روان‌تر و آگاه‌تر مطالب این کتاب را از متون قدیمی بازخوانی و بررسی کنم.

خلاصه، پس از مختصری آشنایی با عروض و ایقاع، تا حدی که از لحاظ فنی گره از کارم می‌گشود، رفته‌رفته متوجه شدم دیگر برایم ریتم در موسیقی ایرانی به صورت فواصل پی‌درپی و مساوی نیست (یعنی چیزی که در تئوری موسیقی در تعریف ریتم در موسیقی عرضه می‌شود). پس از کندوکاو بیشتر در نسخ قدیمی مربوط به موسیقی کشورمان، به خصوص برخورد با آثار عبدالقادر مراغه‌ای - که می‌توانم بگویم شاید رساترین نوشته درباره ریتم در موسیقی ایران قدیم است - به این واقعیت دست یافتم که ریتم ما هیچ‌گاه به شکل فواصل پی‌درپی و مساوی امروزی نبوده است. مراغه‌ای، در سه اثر بی‌نظیر خویش، در اوایل قرن نهم، نظریات خودش را درباره وزن یا ریتم در موسیقی ایران قبل از خودش و در زمان خودش به صورت تصویری و دبیره موسیقی (نُت) رایج آن زمان به جای گذاشته که نه تنها قابل توجیه کامل با کشش‌های موسیقی امروزی هستند، بلکه ارتباط عمیق خویش را به اوزان عروضی ایقاعی

هند، که وجه تشابه بسیار فراوانی از کلیه لحاظ فرهنگی با موسیقی و فرهنگ ایرانی دارند، همین نشانه فنی و عمیق ریشه‌ای به چشم می‌خورد. چه در موسیقی هند نیز وزن متأثر از وزن کلام است. می‌دانیم که ایرانیان و هندیان ریشه آریایی دارند و از لحاظ زبانشان از یک منبع (هنداروپایی) منشأ می‌گیرند. جالب اینجاست که در موسیقی کلاسیک هند هنوز هم اکثراً وزن‌ها و معیارهای زبان موزون سانسکریت تکلیف وزن را در موسیقی کلاسیک هند معلوم می‌کنند که در جای خود به توضیح بیشتر آن خواهیم پرداخت. با وجود اینکه در موسیقی ما نیز قبلاً وزن کلام تکلیف وزن موسیقی را معلوم می‌کرد، چگونه و چه هنگام این سنت به هم ریخته و چگونه ما در ریتم موسیقی ایرانی به میزان‌های پی‌درپی و مساوی رسیده‌ایم، خود نکته درخور بحث این مجموعه مختصر است.

وابستگی عمیق موسیقی و کلام
 در کشور ما ایجاد می‌کند که قواعد وزن شناسی
 کلام را بدانیم؛ وگرنه موسیقی ایرانی ما از ساختارهای
 بنیادی خود دور می‌شود. زیرا وقتی قرار باشد یک قطعه موسیقی
 بر شعری ساخته شود و ریتم کلامی شعر رعایت نگردد، تقسیمات
 وزن کلامی و وزن موسیقی از یکدیگر جدا می‌شوند که این امر به
 تکه‌تکه شدن و بی‌معنی شدن شعر منجر می‌شود، به‌ویژه اگر آهنگ‌ساز
 خود از این معنا دور باشد.
 نیز، نوآوری در هر حوزه‌ای باید پس از شناخت وجودیت اصلی و ذاتی آن
 حوزه صورت گیرد؛ وگرنه از معنای اصلی خود فاصله می‌گیرد. جای
 تعجب است که با وجود اینکه موسیقی‌دانان موسیقی سنتی ایران
 خود را به ردیف موسیقی سنتی پایبند و مؤمن می‌دانند،
 چگونه در مسئله ریتم و وزن این موسیقی تا این
 اندازه بی‌توجه بوده‌اند!



قیمت فقط با هولوگرام صحیح است.

